



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۱/۱۱

عارف عباسی

یک روز غم انگیز در امریکا!

نتایج انتخابات ریاست جمهوری به نفع Donald Trump خلاف توقع و تصور اکثریت دانا و چیز فهم معتقد به اصول، ارزش ها و اساسات سترگ تهداب گزاران دموکراسی امریکا بود. روز چهارشنبه ۹ نوامبر سال ۲۰۱۶ را میتوان با مشاهده چهره های افسرده و غم زده اکثریت شامل هر قشر غم ناک ترین روز در تاریخ امریکا شمرد (البته تعدادی هم خوشحال و خندان در کمال مسرت بودند) که اندوه آن روز کمتر از روز قتل John F Kennedy یا سانحه تکان دهنده ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ نه بود. جوانان قشر متوسط و کم عاید آرمان های والای خود را برای تحصیلات عالی مجانی و رهایی از اسارت قرضه های کمر شکن در نابودی دیدند. در منازل ملیون ها پناهنده بی سند واهمه و ارباب ایجاد شد. مسلمانان زحمت کش و اعضای صالح و سالم جامعه تبعه امریکا مقید به قانون به آینده به شک و تردید و دلهره دیدند و دیگرانی خود را در موقف مالی به سود اقلیت دیده و از بالا رفتن حد اقل مزد نا امید شدند و باز هم بیمه های صحی را دستخوش رقابت های ظالمانه تشبثات خصوصی یافتند. خلاصه در بدو مرحله این نتیجه در کل باعث ایجاد یک فضای تشویش، اضطراب و عدم اطمینان گردید.

در خلال دوران مبارزات انتخاباتی مطبوعات فرا آزاد، کنجاو و ذره بین، امریکا ترمپ را به مردم امریکا و جهان معرفی نمود و به اصطلاح ما افغان ها زیره و پودینه وی را افشاء و چلو صافش را از آب در آورد. در این بحث شخصیت، سوابق، استثمار، تعصبات و تبعیضات و سوء استفاده از سیستم توسط ترمپ مطرح نیست بلکه نامبرده بحیث پیامبر تغییر و تحول افکار، نظریات و خط مش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اش برای جامعه امریکا مورد بحث است.

ترمپ و همکارانش ماهرانه ورشکستگی های جامعه را شناسایی نموده و چون چوب شکن های کار کشته به درز های معلوم تبر زدند و توانستند احساسات قشری را بشورانند که واقعاً درد رسیده بودند ولی درست نمی دانستند که عامل اصلی این درد ها کیهانند و در آگاهی به دلائل عقل شان کوتاهی نمود و ترمپ چنین طبقاتی را صف آرایی نمود و در عقب خود کشاند.

تجاوز نظامی سنجیده شده و یا نا سنجیده شده بر عراق مادر کلیه مصائب امریکا بود، آزادی لجام گسیخته مارکیت قرضه با لغو کلیه نظارت ها بحران بزرگ قهقراپی را در صنعت چندین رُخه خانه سازی رونما و متعاقباً به صنعت محرک و مؤلد موثر سازی رخنه نمود و البته کوچ کشی صنایع بزرگ به ممالک مزد پایان،

مسدود شدن معادن و صنایع فولاد و نساجی بر ورشکستگی امریکا و بی کاری مخصوصاً طبقه متوسط افزود و میلیون ها بیکار و درب خانه بسته شد.

در واقعیت قشر مؤلد و مؤثر امریکا که اکثریت را می سازد سخت صدمه دیدند و آسیب های بس بزرگ اقتصادی را متحمل گردیدند، بعضی کارگران و مأمورین پس انداز های چهل پنجاه ساله تقاعدی و ذخایر شخصی را با سقوط مؤسسات مالی و بحران بازار سرمایه از دست دادند. این شرائط سبب برافروختن قهر و غضب مردم امریکا گردید ولی عده معدود انگشت شمار از این بحرانات بی حد سود بردند، از قرار داد های بزرگ نو سازی افغانستان تا قرار داد های غول پیکر جنگ عراق کارپوریشن های بزرگ بهره برداری نموده نادار امریکا نادرتر و ثروتمند امریکا ثروتمندتر شد و این فاصله بین دو طبقه بی حد فراخ تر گردید.

در واقعیت حزب دموکرات امریکا و بارک اوباما خلاق این همه دگرگونی و مصیبت نبودند بلکه وارث یک حالت ورشکستگی، بحران و درماندگی بودند، تلاش های ممتد حکومت برای رفع بحران و آوردن اصلاحات با تناقضات عمدی و عدم همکاری کانگرس امریکا که جمهوری خواهان در اکثریت بودند مواجه گردید و مخصوصاً طرح اوباما برای تأمین عدالت اجتماعی با وضع مالیات بلند بر بلیونر های امریکا که کم ترین مالیه می را پردازند با مخالفت اکثریت جمهوری خواه مواجه گردید و ده ها برنامه سودمند اجتماعی توسط مخالفت جمهوری خواهان متوقف شد.

ولی بازی گران زورمند سیاسی و اقتصادی امریکا با نیرنگ های ماهرانه، حکومت بر سر اقتدار و شخص بارک اوباما را نزد مردم مقصر معرفی نمودند و حالا دانسته شد که تفوق پرستان سفید پوست امریکا تا چه حد از اوباما متنفر بوده از رئیس جمهور بودنش رنج می بردند.

در مؤفقیت دانولد ترمپ دو عنصر عمده نهفته است یکی مسیر بخشیدن نا رضایتی ها، قهر و غضب مردم به جهات غیر موجه غرض صیانت قدرت صاحبان سرمایه امریکا. ترمپ با مهارت خاص قهر مردم را به سوی پناه گزینان مکسیکویی که همه را دزد و رهن و متجاوز خواند و اقلیت های نژادی و مخصوصاً پیروان دین اسلام مسیر بخشید و عقده های تبیض طلبانه نهانی یک قشر نا آگاه و تحصیل ناکرده امریکا را به نفع خود و هم پیمانان خود از عمق به سطح آورد. ترمپ صفحه پر از نفرت، تعصب، تبعیض و تفوق پرستی را خلاف توقع اکثریت روشن فکر معتقد به اصول و اساسات بنیادی دموکراسی امریکا بگشود.

ترمپ کلیه سیاست های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فعلی را مورد انتقاد قرار داد ولی خود هیچ نوع سیاست مشخص و معینی با جزئیات، در بسی موارد نداشت او بیشتر از محو و تخریب سخن راند ولی علی البدل بهتر را معرفی نتوانست، طرز دیدش مبین نا بلدی او به قدرت های عنعنوی سیستم امریکا است. بسی گفته ها به دل های افسردگان چسبید ولی عمیقاً کسی امکانات عملی شدن این رؤیا های طلایی را مدنظر نگرفت. مثلاً اعمار دیوار سرحدی و پرداخت مصرف آن توسط حکومت مکسیکو.

اخراج ۱۱ میلیون مردم غیر قانونی (بدون سند) امریکای لاتین. اگر پدر و مادر اسناد قانونی ندارند پنج و یا شش اولاد شان در امریکا متولد اند که قانوناً تبعه امریکا بوده تا زمانی که خردترین طفل به سن ۱۸ نرسد کسی حق اخراج مادر او را ندارد و صد ها ملاحظات قانونی دیگر.

- دانولد ترمپ تا حال اهمیت سیاسی و اقتصادی جهان اسلام را در اتخاذ تصمیم امریکا درک نکرده و نمی داند که روابط با ممالک اسلامی بر بنیاد منافع ستراتیجیک اقتصادی و نظامی استوار است و در رقابت کنونی نیمه جنگ گرم و سرد برای ممالک اسلامی، درب انتخاب فراخ تر باز است.
- دانولد ترمپ بر اساس بدبینی شخصی مسلمانان مقیم امریکا را در کل، که کاری خلاف قانون انجام نداده اند تخویف نموده شرائط داد که چنین برخورد های نا سنجیده و متعصبانه عکس العمل شدید تر و خطرناکتر برای اتباع امریکایی در ممالک اسلامی ایجاد می نماید.
- دانولد ترمپ امریکا را از لانه تنیده شده عنکبوت همبستگی کروی (گلوبلیزیشن) بیرون کرده نمی تواند، البته بعضی مناسبات و مراودات تجارتي ايجاب تجديد نظر را می نماید مثلاً جعل کاری چین در تجارت بین المللی با نوسانات مجازی پولی قابل غور است.
- پستی بانی ترمپ از اشغال جزیره نمای کریمیه توسط روسیه استقلال و امنیت همسایه های شرقی روسیه را به خطر جدی مواجه می گرداند.
- دانولد ترمپ نمی تواند با اعمال زور و منم گویی سیاسی روابط بین المللی امریکا را صدمه زده شرائط دل خواه خود را بر دیگران تحمیل نماید.
- دانولد ترمپ نمی تواند معجزه آسا گروه های تند رو دینی را در شرق میانه نابود سازد؛ ادامه جنگ امریکا را مجبور می سازد که درب مهاجر پذیری را باز نگه دارد.
- اصلاحات آنی در اصول کار دفاتر مهاجرین و نظارت بر نو واردین و بر رسی سوابق هر درخواست کننده ویزه سالها را در بر گرفته و مصارف بس گزاف را ايجاب می نماید.
- با لغوض بیمه صحتی (اوباما) که ۲۱ ملیون امریکایی امروز به شرايطی بیمه صحتی دارند، جزئیات و محتویات طرح جدید ترمپ معلوم نیست.
- اگر ترمپ در مبارزه با تروریزم جدی است باید در سیاست خود در قبال پاکستان جداً تجدید نظر نماید و توسط فشار نظامی و اقتصادی پاکستان را مجبور به تأمین صلح و آرامش در افغانستان بسازد.

پایان